

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۷/۱۰/۱۵

موضوع: ایام فاطمیه، ایام دفاع از حریم امامت و ولایت

(سخنرانی در مسجد جامع امام سجاد (علیه السلام))

فهرست مطالب این سخنرانی:

دو روی سکه انقلاب اسلامی ایران: سیل عظیم شبهات؛ گرایش عظیم به تشیع

دو کتاب شاخص، پیرامون نحوه مبارزه با جمهوری اسلامی

سه رمز موفقیت جمهوری اسلامی ایران

تمدن اسلامی به رهبری ایران؛ بزرگترین مانع سیاستهای آمریکا

تفاوت اساسی فرهنگ شیعه و فرهنگ اهل سنت در این نکته است!

ایام فاطمیه، ایام دفاع از حریم ولایت

لازم است این روایت را اساتید و بزرگان ببینند!

با مطالعه این کتاب، معرفت شما نسبت به مقام ائمه چند برابر میشود!

فرجام و نتیجه ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از دیدگاه «آلوسی سلفی»

ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هم‌سنگ توحید و رسالت و معاد!

پرسشها و پاسخها

چرا امیرالمؤمنین بعد از به حکومت رسیدن، فدک را بر نگرداند؟

آیا در اویش منشعب از وهابیت است؟

آیا خانه امیرالمؤمنین در نداشت؟

در جریان هجوم به بیت فاطمه، چرا امام علی در را باز نکرد؟

چرا قبر حضرت زهرا مخفی است؟

مناظره کوبنده علامه امینی (ره)

روضه امیرالمؤمنین در کنار قبر حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیهما)

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاه
على رسول الله و على آله آل الله لاسیما على مولانا بقیه الله العن الدائم على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله
الحمد لله الذى هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش بویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم. ایام شهادت جانسوز و مظلومانه
صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را به پیشگاه مولایمان حضرت بقیه الله الاعظم و همه علاقه‌مندان و
دلباختگان عصمت و طهارت و شما گرامیان تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم.

همچنین فرارسیدن چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران و دهه فجر را به پیشگاه ولی امر حضرت
حجة بن الحسن (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه شما گرامیان و آزادگان و آزاداندیشان جهان تبریک و
تهنیت عرض می‌کنم.

خدا را به آبروی حضرت صدیقه طاهره سوگند می‌دهم پاداش ما را در این مصائب جانکاه فرج موفور السرور مولایمان حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف) قرار بدهد و ما را از یاران خاص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار دهد.

از خداوند متعال می‌خواهیم به ما توفیق آن دهد که بتوانیم نظام جمهوری اسلامی را همانند دو چشممان حفظ کنیم و زمینه‌ساز ظهور مولایمان حضرت ولی عصر قرار دهیم و این حکومت را به تعبیر امام خمینی با دو دست تقدیم آن نازنین وجود کنیم با ذکر صلواتی غزّاء.

قبل از آغاز سخن از همه شما گرامیان که شرف حضور دارید و با وجودتان این محفل نورانی را نورانی‌تر کرده‌اید، تشکر می‌کنم.

همچنین از برادر عزیزم امام جمعه محترم و فرماندهی سپاه و همه عزیزان سپاهی و نیروی انتظامی و مدیران اجرایی و هیئات مذهبی و عزیزان فرهنگی و دانشگاهی و دیگر اقشار مختلف به نوبه خودم تشکر می‌کنم و اجر همگان را از حضرت صدیقه طاهره می‌خواهم.

ابتدا چند نکته‌ای را به صورت فهرست‌وار اشاره می‌کنم، سپس اگر دوستان سؤالات یا شبهاتی داشتند خدمت عزیزان پاسخگو هستم.

دو روی سکه انقلاب اسلامی ایران: سیل عظیم شبهات؛ گرایش عظیم به تشیع

همانطور که عزیزم اشاره کردند، امروز دشمن ما، از راست و چپ و بالا و پایین مشغول شبهه پراکنی هست و تهاجم فرهنگی در عصر حاضر بیداد می‌کند.

امروز سیل عظیم شبهات متوجه فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت و نظام مقدس جمهوری اسلامی که برخاسته از فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) است، سراریز است.

بنا به تحقیق میدانی که دانشگاه علم و صنعت تهران انجام داده، ما تنها در خاورمیانه حدود سیصد شبکه ماهواره‌ای به زبان‌های مختلف داریم که شبانه روز علیه تشیع و اهل‌بیت و نظام جمهوری اسلامی مشغول تبلیغات سوء و شبهه‌افکنی هستند.

دشمنان در طول هفتصد، هشتصد سال از زمان «ابن تیمیه حرّانی» بزرگ‌ترین نظریه پرداز و بنیانگذار فرقه وهابیت تبلیغ کردند که مذهب شیعه هیچ سنخیتی با دین اسلام و قرآن ندارد، بلکه مذهب برخاسته از آیین یهود است و برای نابودی اسلام و قرآن تأسیس شده است!!

او ادعا می‌کند بنیانگذار مذهب شیعه، «عبدالله بن سبأ» یهودی است و برای آنکه افکار جهانی را از اسلام منحرف کند، مذهب شیعه را بنیانگذاری کرد!!

کتاب «منهاج السنة النبویة» اثر «ابن تیمیه» و بنا به تعبیر «علامه امینی» کتاب «منهاج البدعة الأمویة» جلد اول از صفحه ۲۲ حدود ۱۲ صفحه در نقد عقاید شیعه و تشبیه عقاید شیعه به یهود مطالبی دارد.

بعد از «ابن تیمیه» افراد دیگری آمدند تا در قرن دوازدهم و سیزدهم «محمد بن عبدالوهاب» این تفکر سلفی که «ابن تیمیه» پایه‌ریزی کرده بود را به صورت مدرنیزه وارد جامعه اسلامی کرد و با امکانات وسیع، عربستان سعودی به تبلیغ این عقیده پرداخت. در نتیجه مذهب شیعه در جهان رفته رفته یا به فراموشی کشیده می‌شد و یا تنفر شدیدی از مذهب شیعه در اذهان جوانان بویژه تحصیل کرده‌ها ایجاد می‌شد.

به برکت نظام جمهوری اسلام و به برکت نفس‌های ملکوتی امام راحل و خون پاک شهدا این اسلام و این مذهب شیعه در جهان جان تازه‌ای گرفت و روح تازه‌ای به این مذهب دمیده شد، به طوری که تمام بافته‌های هشتصد ساله وهابیت از هم گسست.

وهابیت لاطائلات زیادی از اسلام و مذهب شیعه مطرح کرده بودند، اما با آمدن نظام جمهوری اسلامی و نشر فرهنگ اهل بیت از رسانه‌های جهانی مردم متوجه شدند که مذهب شیعه غیر از مذهبی است که وهابیت در طول هشت قرن برای مردم بازگو می‌کردند.

وهابیت می‌گفتند شیعیان قرآنی غیر از قرآن مسلمین دارند، اما قرآنی که در مجالس و محافل شیعه قرائت می‌شد در رسانه‌ها آمد. وهابیت همچنین ادعا می‌کردند شیعه غلو دارد یا شیعه نسبت به بعضی از عقائد اسلامی تنفر دارد و انکار می‌کند.

الحمدلله با حضور نظام جمهوری اسلامی در صحنه بین الملل، تمام تبلیغات هشتصد ساله وهابیت به هم ریخت. به همین دلیل وهابیت در طول این مدت علیه مذهب شیعه شروع به تبلیغات گسترده و چند برابری کرد.

یکی از مراکز تحقیقاتی در قم به نام «مرکز الابحاث العقائديه» که زیر نظر مستقیم آیت الله سیستانی اداره می‌شود، تمام کتاب‌هایی که در دهه هفتاد علیه شیعه نوشته شده بود را جمع آوری کرد.

حدود پنج هزار عنوان کتاب ضد شیعه از قرن دوم و سوم تا دهه هفتاد موجود بود. مدیر این مؤسسه به بنده گفت: ما این کتاب‌ها را بررسی کردیم و شبهاتی که علیه شیعه بود در آوردیم. حدود هشت هزار شبهه در ششصد عنوان علیه شیعه جمع آوری شده است.

نکته جالب این بود که می‌گفت: در طول بیست سال اخیر که از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد، کتاب‌هایی که علیه شیعه نوشته شده است دو و نیم برابر چهارده قرن گذشته است!!

عزیزان خوب دقت بفرمایید. در مدت ۲۰ سال دو و نیم برابر چهارده قرن علیه شیعه کتاب نوشته‌اند.

دشمنان دیدند قدرتی در صحنه بین الملل ایجاد شده که تمام آن چه را که آن‌ها در اذهان مردم وارد کرده بودند یکی پس از دیگری از ذهن‌ها فرو بست و اسلام راستین محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) در مذهب شیعه تجلی یافت.

با قاطعیت و تحقیق میدانی عرض می‌کنم، شخصیت‌های علمی، اندیشمندان، اساتید دانشگاه‌های وهابی و اهل سنت که در طول این چهل سال به مذهب شیعه گرویده‌اند، بیش از صد برابر کسانی است که در چهارده قرن به مذهب شیعه گرویده‌اند.

فرصتی نیست که آمار ریز خدمت عزیزان عرض کنم، اما در کنگره تکفیر قم، رئیس محترم دفتر مقام معظم رهبری جناب حجة الاسلام محمدی گلپایگانی حضور داشتند. بنده موبایلم را خدمت ایشان تقدیم کردم و گفتم: پیامک‌هایی که برایم ارسال شده را مشاهده کنید.

محتوای یکی از پیامک‌ها که شماره‌اش از مناطق سنی نشین کشور بود، ابتدا از برنامه‌هایی که در شبکه‌های ماهواره‌ای داشتیم تشکر کرده بود. در ادامه نوشته بود: "در شب عید غدیر قبيله ما که پانصد نفر هستند، یک جا مذهب شیعه را انتخاب کرده‌اند." از این نمونه قضایا چه در داخل و چه در خارج الی ماشاءالله دارم.

توفیقی که خداوند تعالی به این بنده حقیر عنایت فرموده، این است که بیش از دویست جلسه مناظره در خاک عربستان داشته‌ام. بنده با اساتید دانشگاه‌ها، دبیران، مفتیان و حتی مفتی اعظم عربستان که بالاترین مقام علمی و سیاسی عربستان است مناظره داشتم. بنده به طائف رفتم و در حضور رئیس بعثه مقام معظم رهبری بحث و مناظره داشتم.

خدا را شاهد می‌گیرم در میان افرادی که خود را به مذهب اسلامی می‌زنند پوچ‌ترین، بی دلیل‌ترین، بی محتواترین فرقه، فرقه وهابیت است.

بنده با بعضی از اساتید بحث می‌کردم و می‌گفتم شاید این‌ها خیلی تسلط ندارند. همچنین با دانشجویانشان هم بحث می‌کردم و مثل بعضی از دانشجویان ما که خیلی مسلط نیستند، آنها هم زیاد مسلط نبودند.

ولی وقتی در طائف - در ۹۵ کیلومتری شمال مکه - با مفتی اعظم عربستان به مدت یک ساعت و اندی بحث کردیم، دیدیم اصلاً از درون تهی هستند و غیر از شعار چیزی نمی‌دانند.

ایام، ایام فاطمیه است. قسم به حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها)، مفتی اعظم عربستان سعودی در آن یک ساعت طوری در برابر ما بال می‌زد، همانند اینکه یک گنجشک در برابر عقاب بال بال بزند. ما سؤالاتی که می‌پرسید را جواب می‌دادیم، اما او حتی نتوانست به یکی از سؤالاتی که ما پرسیدیم جواب بدهد. ما این یک ساعت را ضبط کردیم و روی سایت «www.valiasr-aj.com» هم موجود است.

بعضی از معاونین او که در جلسه بودند، به او اعتراض کردند و گفتند: شیخنا! این چه نحو مناظره و پاسخگویی است؟ پاسخ‌های شما ما را قانع نکرد، چه رسد به این که طرف مقابل ما را قانع کند.

بنده خواستم خدمت عزیزان عرض کنم که مشکل اساسی ما حضور وهابیت نیست، بلکه تبلیغات گسترده آن‌ها و عدم حضور ما در صحنه بین الملل است. وهابیت سیصد شبکه ماهواره‌ای در اختیار دارند.

به تعبیر یکی از دانشمندان کانادایی از هر صد مورد فضای سایبری هفتاد مورد در اختیار سلفی‌ها و وهابیت است. به تعبیر دیگر دو سوم فضای مجازی و سایبری اسلامی در اختیار سلفی‌ها و وهابیت است که در آن فعالیت می‌کنند.

تعبیر مقام معظم رهبری در خصوص فضای مجازی این است که فضای مجازی به قتلگاه جوانان تبدیل شده است.

ما احساس می‌کنیم عزیزان ما اعم از تحصیلکرده‌ها، روحانیت، اساتید، دانشجویان و فرهنگیان ما در فضای مجازی آن گونه که زبیده آنهاست و مسئولیت اساسی پاسخگوی به شبهات به عهده آنها هست، حضور چندانی ندارند.

دو کتاب شاخص، پیرامون نحوه مبارزه با جمهوری اسلامی

نکته دیگر این است که دشمنان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تمام تلاششان را به کار بردند تا به نوعی انقلاب را از مسیر اصلی‌اش منحرف کنند و این نظام را از صحنه بین الملل حذف کنند. الحمدلله رب العالمین تاکنون موفقیتی برای دشمنان نبوده است.

بنده به دوستان توصیه می‌کنم دو کتاب که از اول تا آخر در زمینه تحلیل در مورد نحوه مبارزه با جمهوری اسلامی ایران و بررسی علل شکست آمریکا در به زایه کشاندن جمهوری اسلامی نوشته شده است را، مطالعه بفرمایند.

کتاب‌های زیادی در این مورد نوشته شده است، اما این دو کتاب شاخصه‌های خاصی دارند. کتاب اول به نام «پایان تاریخ» اثر آقای «فوکویاما» نظریه پرداز یهودی که معاون سابق سازمان سیا است.

او در این کتاب از ابتدا تا انتها راهکارهایی را برای آمریکا ارائه می‌دهد که چگونه می‌توان جمهوری اسلامی را با شکست مواجه کرد. آمریکا حدود ده، پانزده سال راهکارهای «فوکویاما» را اجرا کرد، اما نتیجه ندید.

بعد از او، «هانتینگتون» به میدان آمد و کتاب «برخورد تمدن‌ها» را نوشت که امروز هم آمریکا در منطقه طرح‌های ایشان را پیاده می‌کند.

ایشان می‌گوید: کنگره آمریکا برای اینکه بداند رمز موفقیت جمهوری اسلامی چیست بودجه اولیه‌ای بالغ بر صد و پنجاه میلیون دلار تصویب کرد تا محققین تحقیق کنند رمز موفقیت جمهوری اسلامی ایران چیست.

البته ما در صدا و سیمای جمهوری اسلامی هم میزگردهای متعددی در نقد اندیشه‌های «هانتینگتون» داشتیم. عزیزانی که اهل مطالعه و بررسی هستند از این میزگردها اطلاع دارند.

سه رمز موفقیت جمهوری اسلامی ایران

ایشان می‌نویسد: محققین بعد از شش ماه مطالعه گزارش دادند رمز موفقیت جمهوری اسلامی سه چیز است. آمریکا اگر بخواهد جمهوری اسلامی را با شکست مواجه کند، باید این سه رمز را از دست مردم ایران و جمهوری اسلامی بگیرد.

رمز اول عزاداری برای نوه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در طول سال، به‌ویژه در ماه‌های محرم و صفر است.

منبری‌ها و مداحان، حماسه سازی‌های امام حسین (علیه السلام) و مبارزه ایشان را با مستکبر عصر خود، یزید را برای مردم بیان می‌کنند. بعد از آن آمریکا را به عنوان یزید عصر معرفی می‌کنند. جوانان با این صحبت‌ها روحیه ضد استکباری می‌گیرند.

رمز دوم موضوع مهدویت و انتظار است. شیعه در انتظار آمدن یکی از نودگان پیغمبر است که با آمدنش تمام حکومت‌ها حتی حکومت آمریکا را سرنگون و حکومت دینی و الهی را به جای آن جایگزین خواهد کرد. فلسفه انتظار و مهدویت، جوانان را ضد آمریکا بار می‌آورد.

رمز سوم قدرت مرجعیت و رهبری در ایران است. یک مرجع و رهبر با یک سطر بیانیه، مردم را به صحنه می‌کشاند و در حوزه‌های مختلف حاضر می‌کند. مادامی که نفوذ مرجعیت و رهبری در جامعه اسلامی باشد، آمریکا نمی‌تواند موفق شود.

آمریکا باید این موضوعات را بررسی کرده و راهکارهای جدایی ملت از رهبری و ولایت فقیه و مرجعیت را راه‌اندازی کند.

مشاهده کنید در فتنه‌ای که امسال تابستان یا سال گذشته انجام شد، تظاهراتی در بعضی از شهرها رخ داد. در این تظاهرات کسی به رئیس مجلس، رئیس جمهور یا رئیس قوه قضاییه توهین نمی‌کرد. تمام اهانت‌ها مستقیم به ولی فقیه و مقام معظم رهبری بود.

تمام این اقدامات حساب شده، دیکته شده و برنامه ریزی شده است. البته طبق آنچه که ما اطلاع دقیق داریم و مقام معظم رهبری هم اشاره کردند سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ آزمون و خطا بود. آن‌ها خودشان را برای سال ۱۳۹۸ بویژه ماه‌های خرداد و تیر آماده می‌کنند.

بنده اطلاع دقیق دارم که عربستان سعودی و اسرائیل و آمریکا در منطقه، پول‌های کلانی خرج کرده‌اند. شاید باور نکنید آنها چند برابر بودجه سالیانه جمهوری اسلامی بودجه خرج کرده‌اند تا بتوانند سال آینده موفق شوند.

لذا بنده از همینجا اعلام می‌کنم عزیزان من! مادامی که مردم و جوانان ما در صحنه هستند و مردم شور انقلابی و عشق اهل بیت دارند، آن‌ها هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند.

تمدن اسلامی به رهبری ایران؛ بزرگترین مانع سیاستهای آمریکا

نکته دیگری که باید خدمت عزیزان عرض کنم و شاید برای شما جالب و جذاب باشد، راجع به فرهنگ انقلابی شیعه است.

وقتی آقای «هانتینگتون» بحث تمدن را مطرح می‌کند، تمدن‌های یهود و مسیحیت و بودا را نام می‌برد و می‌گوید: "این تمدن‌ها اصلاً عددی نیستند که آمریکا روی آن حساب باز کند. تنها تمدنی که امروز در برابر سیاست لیبرالیسم آمریکا می‌تواند قدرت‌نمایی کند، تمدن اسلامی است."

او سپس تمدن اسلامی را طبقه بندی می‌کند و می‌نویسد: تمدن اسلامی به رهبری پاکستان، تمدن اسلامی به رهبری عربستان، تمدن اسلامی به رهبری اردن و غیره.

او می‌نویسد: این تمدن‌ها را می‌توان با تهدید یا تطمیع زیر پرچم آمریکا درآورد، اما تنها تمدن اسلامی که خطر جدی برای ماست، تمدن اسلامی به رهبری ایران است. ما باید برای تمدن اسلامی ایران برنامه ریزی کنیم.

دوستان عزیز بنده کشورهای مختلفی سفر داشتم. بنده به کشورهای عربی، هندوستان، پاکستان، افغانستان، کشورهای مختلف اروپا سفر کردم و در آمریکا چهل روز بودم. بنده در غالب ایالت‌ها سفر کردم و با دانشجویان شیعه، سنی و وهابی جلسات مختلفی داشتم.

بنده با تمام این احوالات این را اعلام می‌کنم که نفوذ نظام شیعه، نظام جمهوری اسلامی و فرهنگ اهل بیت آنچنان در دل‌ها نشست که حتی دشمنان سرسخت شیعه هم، بی‌اختیار اعتراف به حقانیت شیعه می‌کنند.

بنده سال ۱۳۸۴ یا ۱۳۸۵ در مکه مکرمه در پشت بام با ده، دوازده نفر از دانشجویان دانشگاه أم القرى که بزرگ دانشگاه ایدئولیک‌پرور عربستان است، بحث داشتم.

در لابلای صحبت یکی از دانشجویها مطلبی گفت که بنده آن را ضبط کردم و خدمت آیت الله ری شهری که مسئولیت وقت بعثه را داشتند، گفتم و نامه رسمی هم دادم.

یکی از دانشجویها گفت: شما به خودتان ببالید و افتخار کنید رهبری دارید که با کمال صراحت در برابر بزرگ ابرقدرت دنیا می‌گوید "آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند"، اما رهبر ما، کشور آل سعود، به نوکری آمریکا افتخار می‌کنند. فرق ما با شما این است!!

ایشان سپس جمله جالبی گفت که بنده آن را خدمت آیت الله ری شهری و حجة الاسلام محمدی گلپایگانی هم عرض کردم.

او گفت: اگر روزی آیت الله خامنه‌ای را دیدید، از طرف ما دانشجویان دست ایشان را ببوسید و بگوید شما در قلب ما جا دارید. ما نیاز به رهبران شجاع و انقلابی شبیه شما داریم.

این قضیه نقل قول نیست. بنده معمولاً تمام بحث‌هایی که در عربستان داشتم را با دو دستگاه ضبط کردم که اگر یکی از ضبط‌ها مشکلی پیدا کرد، از دستگاه بعدی استفاده کنیم.

ما تمام این مباحث را جمع‌آوری و پیاده کردیم و در سه جلد تحت عنوان «قصة الحوار الهادی» به چاپ رسیده است که تقریباً ۱۶۰۰ صفحه می‌باشد. البته این کتاب هنوز عربی است و ما توفیق ترجمه این کتاب را به فارسی پیدا نکردیم.

تفاوت اساسی فرهنگ شیعه و فرهنگ اهل سنت در این نکته است!

علی‌ای حال خدمت عزیزان عرض می‌کنم که حتی دشمن‌ترین دشمن شیعه امروز به این نتیجه رسیده است که راه خلاصی از ظلم و استبداد، فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) است.

شیعه افتخار می‌کند که رهبرش حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) با صدای رسا فریاد می‌کند و فریاد علی بن ابی طالب در فضای جهان اسلام در چهارده قرن طنین افکن است که فرمود:

«و كُونَا لِلظَّالِمِ حَضَمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»

همواره در برابر ظالم خروش کنید و در کنار مظلوم یار و مددکار او باشید.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۴۲۱، خ ۴۷

و من وصیة له ع للحسن و الحسين ع لما ضربه ابن ملجم لعنه الله

افتخار شیعه این است که رهبرش در روز عاشورا در بحرانی‌ترین وقت زندگی‌اش فرمود:

«وَأَيُّ لَأَ أَرَى الْمَوْتِ إِلَّا سَعَادَةً وَ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمَا»

شهادت در راه آزادی و آزادگی جز سعادت نیست و زندگی زیر یوق استکباران جز ننگ نیست.

مناقب آل ابي طالب عليهم السلام، نویسنده: ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ج ۴، ص ۶۸،

فصل فی مکارم أخلاقه ع

مشاهده کنید احادیثی در کتب عزیزان اهل سنت ما هست که البته بنده معتقدم که بنی امیه و بنی العباس آنها را جعل کرده‌اند و برای توجیح کارهای خلاف خودشان ساخته‌اند.

در کتاب «صحیح مسلم»، «صحیح بخاری»، «معجم طبرانی» روایاتی وارد شده است مبنی بر اینکه کسی به خدمت جناب خلیفه می‌آید و می‌پرسد: جناب خلیفه دوم! آینده را چطور می‌بینید؟ وظیفه ما در برابر حاکم چیست؟ در جواب می‌گوید:

« فاسمع وأطع وإن أمر عليك عبد حبشي مجدع»

الكتاب المصنف فی الأحادیث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - ۱۴۰۹، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج ۶، ص ۵۴۴، ح

۳۳۷۱۱

طبق این روایت ولو حاکم شما یک بیگانه هم باشد، وظیفه شما تبعیت است. در ادامه وارد شده است:

«إن ضربك فاصبر وإن حرمك فاصبر»

اگر حاکم اسلامی در حق تو ظلم کرد و تو را از حق مسلم تو محروم کرد، صبر کن.

«وإن أراد أمرا ينتقص دينك فقل سمع وطاعة دمی دون دینی فلا تفارق الجماعة»

اگر حاکم اسلامی به تو دستور ضد دینی داد، بگو: چشم، دینم فدای جانم باد.

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - ١٤٠٩، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج ٦، ص ٥٤٤، ح

٣٣٧١١

این تفاوت دو مکتب است! امام حسین (علیه السلام) می‌فرماید:

«إِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ»

منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة، نویسنده: هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، مترجم: حسن زاده آملی،

حسن و کمرهای، محمد باقر، ج ٢١، ص ٢٢١، باب المعنی

اما خلفای اهل سنت می‌گویند:

«دَمِي دُونَ دِينِي»

لذا این فرهنگ اهل بیت امروز در میان اندیشمندان اسلامی هم جا باز کرده و هم مشتری دارد و آینده از آن مذهب اهل بیت (علیهم السلام) است. به این مسئله یقین داشته باشید.

اگر ما بتوانیم فرهنگ اهل بیت را در آینده در فضای مجازی و جوامع بین المللی آنگونه ارائه بدهیم که امام رضا (علیه السلام) فرمود:

«فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»

عیون أخبار الرضا علیه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ج

١، ص ٣٠٧، ح ٦٩

جامعه امروز جهانی جز مذهب شیعه هیچ مذهبی را حاضر به پذیرش نیست؛ زیرا تنها مذهبی که دستوراتش با فطرت بشری تطبیق می‌کند، با آیات قرآن کریم و سنت راستین نبوی منطبق است غیر از مذهب شیعه هیچ مذهبی نیست.

ایام فاطمیه، یعنی ایام دفاع از حریم ولایت

نکته دوم در مورد ایام عزاداری صدیقه طاهره (سلام الله علیها) است. حضرت فاطمه زهرا ملاک حقانیت شیعه و معیار حقانیت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است.

ما باید تلاش کنیم ایام فاطمیه را به نحو احسن و باشکوه‌تر و بامحتواتر برگزار کنیم و در مجالسمان جلوه‌های مختلف زندگی حضرت صدیقه طاهره را برای مردم به‌ویژه جوانان تحصیلکرده بیان کنیم.

ما باید فضائل بی نظیر حضرت فاطمه زهرا و اخلاق بی‌مانند آن بزرگوار در محیط خانه که بهترین همسر برای شوهر، بهترین مادر برای فرزند و بهترین الگو برای مردان الهی است را برای مردم بیان کنیم. امام حسن عسکری (علیه السلام) می‌فرماید:

«نحن حجة الله على الخلق، و فاطمة حجة علينا»

ما حجت الهی بر خلائق هستیم و فاطمه حجت الهی بر ماست.

عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال، نویسنده: بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور

الله، محقق / مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، ج ۱۱، ص ۷، باب مقدمة الطبعة الثانية

در خانه اگر کس است، یک حرف بس است! حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) فرزند برومند حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می‌فرماید:

«ولی فی ابنة رسول الله اسوة حسنة»

دختر رسول الله الكوی نیکویی برای من است.

عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال، نویسنده: بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور

الله، محقق / مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، ج ۱۱، ص ۸، پاورقی

لذا قدر این جلسات را بدانید. بنده بارها گفته‌ام یکی از مسئولین بیت مقام معظم رهبری به بنده گفت: معمولاً مقام معظم رهبری در مجالس عزاداری نیم ساعت یا سه ربع آخر جلسه را می‌آیند و استفاده می‌کنند، اما در ایام فاطمیه از آغاز جلسه تا آخر جلسه می‌نشینند.

روزی خدمت مقام معظم رهبری عرض کردیم که با وجود کسالتی که دارید همان چند دقیقه آخر جلسه را تشریف بیاورید کفایت می‌کند.

ایشان فرمود: من روزی یک ساله‌ام را در جلسات حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از دست حضرت زهرا می‌گیرم. من ملتزم هستم در جلسه حضرت فاطمه زهرا از آغاز تا پایان جلسه عزاداری بنشینم و استفاده ببرم. بنابراین قدر این جلسات را بدانید. نقل فضائل حضرت صدیقه طاهره و ذکر مصائب ایشان خوب است، اما آنچه امروز برای ما ارزش واقعی دارد و می‌تواند در این منطقه خاص جهانی و در این بحبوحه‌ای از زمان الگو باشد دفاع جانانه حضرت از حریم ولایت و امامت است.

بنده در این زمینه چند نکته را خدمت عزیزان عرض می‌کنم و بعد اگر سؤالاتی بود خدمتتان هستم.

بحثی که ما در رابطه با حضرت زهرا (سلام الله علیها) داریم، دفاع جانانه حضرت صدیقه طاهره از حریم ولایت است. در منابع متعدد شیعه و اهل سنت مطالب متعددی در این خصوص آمده است. ما معمولاً هر مطلبی را نقل می‌کنیم تلاش می‌کنیم تصویر جلد کتاب و صفحه کتاب را هم بیاوریم.

در کتاب «الإحتجاج» اثر «مرحوم طبرسی» وارد شده است که در همان لحظه‌ای که به خانه حضرت فاطمه زهرا هجوم آوردند تا خانه حضرت را به آتش بکشند، پشت در آمدند. حضرت در آن لحظه خودش، پهلوی شکسته‌اش و حضرت محسن را فراموش کرده است.

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از پشت در به جمعیتی که هجوم آورده بودند فریاد برآورد:

«فَوَقَفْتُ خَلْفَ الْبَابِ ثُمَّ قَالَتْ لَا عَهْدَ لِي بِقَوْمٍ أَسْوَأَ مِنْكُمْ تَرَكَتُمْ رَسُولَ اللَّهِ جَنَازَةً بَيْنَ أَيْدِينَا وَ
قَطَعْتُمْ أَمْرَكُمْ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَ لَمْ تُؤْمَرُوا وَ لَمْ تَرَوْا لَنَا حَقًّا»

من پست‌تر از شما سراغ ندارم که جنازه پیغمبر اکرم را رها کردید به سقیفه رفته‌اید و منا امیر و منکم امیر سر دادید.

«كَأَنَّكُمْ لَمْ تَعْلَمُوا مَا قَالَ يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ»

فراموش کردید که در غدیر خم پیغمبر اکرم در مورد علی بن ابی طالب چه فرمود؟

الإحتجاج علی أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج ۱،

ص ۸۰، باب ذکر طرف مما جرى بعد وفاة رسول الله ص من اللجاج و الحجاج

ببینید حضرت صدیقه طاهره در آن لحظه حساس تمام مشکلات مربوط به خودش را فراموش می‌کند. تنها چیزی که برای آن بزرگوار اهمیت دارد و فوق العاده است، دفاع از حریم ولایت است.

همچنین در کتاب «دلائل الإمامة» اثر «طبری شیعی» آمده که حضرت در جمع مهاجرین و انصار می‌فرماید:

«فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لِأَحَدٍ بَعْدَ غَدِيرِ حُمٍّ مِنْ حُجَّةٍ وَ لَا عُذْرٍ»

رسول اکرم بعد از غدیر خم راه عذر و گریزی برای شما باقی نگذاشت.

دلائل الإمامة، نویسنده: طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، محقق / مصحح: قسم الدراسات

الإسلامية مؤسسة البعثة، ص ۱۲۲، ح ۳۶

بازهم در کتاب «خصال» اثر «شیخ صدوق» (رضوان الله تعالی علیه) جلد اول صفحه ۱۷۳ وارد شده است که حضرت می‌فرماید:

«وَهَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ لِأَحَدٍ عُذْرًا»

آیا پدرم روز غدیر خم برای کسی جای عذری هم گذاشت؟

الخصال، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۲۲۸

در میان کتب اهل سنت در کتاب «نزهة الحفاظ» اثر «محمد بن عمر اصفهانی مدینی» وارد شده است که قضیه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را مطرح می‌کند که حضرت در خطبه خود بر سر مهاجرین و انصار فریاد بر می‌آورد:

«أُنْسِيتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ مِنْ كُنْتُمْ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ»

آیا سخن پدرم را در غدیر خم فراموش کردید که ولایت علی را برای همگان اثبات کرد؟

نزهة الحفاظ، اسم المؤلف: محمد بن عمر الأصبهانی المدینی أبو موسی، دار النشر: مؤسسة الكتب

الثقافية - بیروت - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقیق: عبد الرضی محمد عبد المحسن، ج ۱، ص ۱۰۲، باب

کتاب النساء

البته این خود رمز خاصی دارد که چرا حضرت صدیقه طاهره از میان آن همه ادله خلافت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بحث غدیر را مطرح می‌کند؛ حال آنکه قضیه خلافت علی بن ابی طالب از آغاز رسالت شکل گرفته است.

شما به کتاب «تاریخ طبری» جلد اول صفحه ۵۴۲ مراجعه کنید با سند صحیح نقل می‌کند که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روز آغاز رسالت علنی سران مکه را جمع کرد و در آن جلسه سه مطلب مطرح فرمودند؛ مسئله اول این بود که حضرت فرمود: «قولوا لا إله إلا الله تفلحوا» و دست از بت و بت پرستی بردارید. مسئله دوم این است که من از طرف خداوند به عنوان پیامبر آخر الزمان مبعوث شدم، به من ایمان بیاورید. مسئله سوم این بود؛

«فأیکم یؤازرنی علی هذا الأمر علی أن یکون أخی ووصیی و خلیفتی فیکم»

تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبی جعفر محمد بن جریر الطبری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ج ۱، ص ۵۴۲، باب ذکر الخبر عما کان من أمر نبی الله عند ابتداء الله تعالی ذکره إیاه یاکرامه بإرسال جبریل علیه السلام إلیه بوحیه

لازم است این روایت را اساتید و بزرگان ببینند!

بحث ولایت علی بن ابی طالب مربوط به غدیر نیست. بحث ولایت علی بن ابی طالب مربوط به جنگ تبوک و جنگ احزاب و حدیث منزلت و حدیث رایت نیست.

از روز اول قضیه ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) با رسالت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) عجین شده است.

بالتر از آن اینکه اگر بخواهید پیشینه ولایت امیرالمؤمنین را بدانید، کتاب «ابن عساکر» یکی از علمای بزرگ و استوانه‌های اهل سنت را ملاحظه بفرمایید.

«ابن عساکر» متوفای ۵۷۱ هجری است. او در کتاب خود «تاریخ مدینه دمشق» جلد ۴۲ ذیل آیه شریفه ۴۵ سوره زخرف مطلبی آورده است که پیشینه ولایت امیرالمؤمنین را نشان می‌دهد. او ذیل آیه شریفه:

(وَ سَأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا)

از رسولانی که قبل از تو فرستادیم بپرس.

سوره زخرف (۴۳): آیه ۴۵

که قضیه مربوط به معراج است. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در جمع انبیاء الهی نشستند بود که خطاب می‌آید:

(وَ سَأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا)

از رسولانی که قبل از تو فرستادیم بپرس.

جوانان، تحصیلکرده‌ها و اساتید ببینید این روایت از کتب شیعه نیست، بلکه کتاب سنی است و در بین اهل سنت معتبر است. پیغمبر اکرم از انبیاء الهی می‌پرسد:

«علی ما بعثوا»

هدف بعثت شما چه بوده است؟

«قال علی ولایتک وولایة علی بن أبی طالب»

همگی گفتند: هدف بعثت ما ولایت تو و ولایت علی بن ابی طالب بوده است.

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیة من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفکر - بیروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین

أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج ۴۲، ص ۲۴۱، ح ۹۵۱۹

غیر از ایشان آقای «ثعلبی» یکی از مفسرین نامی اهل سنت متوفای ۴۲۸ هجری در کتاب تفسیر خود جلد هشتم صفحه ۳۲۸ همین تعبیر را از «عبدالله بن مسعود» نقل می‌کند.

«خوارزمی» یکی از سخنوران نامی اهل سنت متوفای ۵۶۸ هجری در کتاب «مناقب» خود صفحه ۳۱۲ عیناً همین روایت را مطرح می‌کند.

پیشینه ولایت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به همان آغاز رسالت انبیاء برمی‌گردد. البته اگر بخواهید حق مطلب را در منابع شیعه ببینید، ولایت علی بن ابی طالب به قبل از بعثت انبیاء برمی‌گردد.

با مطالعه این کتاب، معرفت شما نسبت به مقام ائمه چند برابر میشود!

امام خمینی کتابی دارد که به عزیزان توصیه می‌کنم قدر این کتاب را بدانند. کتاب «مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية» که به نظر بنده گل سرسبد کتابهای ایشان است.

بنده که در این چهل سال و اندی عمر حوزوی، نود درصد عمرم را در بحث ولایت گذرانده‌ام، کتابی به این زیبایی در تبیین مقامات اهل بیت (علیهم السلام) ندیدم. این را با صراحت عرض می‌کنم!

البته مطالب کتاب قدری از نظر محتوا سنگین است. جناب آقای «فهری» مترجم این کتاب، در ترجمه این کتاب می‌نویسد: "روزی امام خمینی فرمودند: من راضی نیستم کسی که فلسفه و عرفان نخوانده باشد، کتاب من را بخواند."

الحق و الانصاف که هضم محتوای این کتاب برای عموم سخت است. بنده توصیه می‌کنم دوستانی که قدری درجه سوادشان بالاتر است حتماً این کتاب را بخوانند و با زبان ساده بویژه برای جوانان به ویژه دانشجویان و تحصیلکرده‌ها بیان کنند.

ایشان در پایان بحثی را تحت عنوان حدیث رضوی بیان می‌کند که از امام هشتم (علیه السلام) و ایشان از طریق آباء گرامیشان از امیرالمؤمنین نقل می‌کند که از پیامبر اکرم سؤال کردم:

« يَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَنْتَ أَفْضَلُ أُمَّ جِبْرِئِيلِ؟ »

ای رسول خدا شما افضل هستید یا جبرئیل؟

حضرت می‌فرماید:

« إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَخُدَّامُنَا وَخُدَّامُ مُجِبِّينَا »

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، نشر: جهان

تهران، ج ۱، ص: ۲۶۲، ح ۲۲

روح امام شاد و عالی است؛ خداوند آن را شادتر و عالی‌تر بفرماید که آنچنان این حدیث را زیبا شرح داده‌اند.

بنده شاید بدون مبالغه خدمت دوستان عرض می‌کنم که این کتاب را بیش از صد بار مطالعه کرده‌ام و هر وقت مطالعه می‌کنم در خودم لذت و شغف مشاهده می‌کنم. با مطالعه این کتاب معرفت در من نسبت به مقام ائمه اطهار چند درجه بالاتر می‌رود.

در ادامه حضرت می‌فرماید: وقتی خداوند عالم ما را آفرید نه آسمانی بود، نه زمینی بود، نه ملائکه‌ای بود، نه عرشی بود و نه فرشته‌ای بود. خداوند به سبب نور ما اهل بیت، ملائکه مقرب را آفرید. ما درس خدانشناسی را در آن عالم بالا تأسیس کردیم و شاگردان ما ملائکه مقرب الهی بودند.

« أَوْلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَرْوَاحَنَا فَأَنْطَقَهَا بِتَوْحِيدِهِ وَ تَمْجِيدِهِ ثُمَّ خَلَقَ الْمَلَائِكَةَ فَلَمَّا شَاهَدُوا أَرْوَاحَنَا نُورًا

وَاحِدًا اسْتَغْظَمَتْ أَمْرَنَا فَسَبَّحْنَا لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّا خَلَقْنَا مَخْلُوقُونَ »

حضرت می فرماید: اصلاً تسبیحات را ما به ملائکه آموزش دادیم:

«فَسَبَّحْتَ الْمَلَائِكَةَ بِتَسْبِيحِنَا...»

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، نشر: جهان

تهران، ج ۱، ص: ۲۶۳، ح ۲۲

فرجام و نتیجه ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از دیدگاه «آلوسی سلفی»

این پیشینه ولایت است و در آخر نتیجه و فرجام ولایت را عرض کنم. خدا در قرآن کریم می فرماید:

(وَقَفُوهُمْ إِيَّاهُمْ مَسْئُولُونَ)

آنها را متوقف سازید که باید بازپرسی شوند.

سوره صافات (۳۷): آیه ۲۴

در کتاب «روح المعانی» اثر «آلوسی سلفی» متوفی ۱۲۸۰ هجری در ذیل همین آیه شریفه:

(وَقَفُوهُمْ إِيَّاهُمْ مَسْئُولُونَ)

می نویسد:

«أن السؤال عن العقائد والأعمال ورأس ذلك لا إله إلا الله ومن أجله ولاية علي كرم الله تعالى وجهه»

سؤال از عقاید و اعمال است و رأس عقاید و اعمال لا إله إلا الله است و از اجل آن ولایت علی بن ابی

طالب است.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین

السید محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۲۳، ص ۸۰، باب

الصفات: (۲۴) وقفوهم إنهم مسؤولون

مشاهده کنید آن پیشینه ولایت بود و این هم فرجام ولایت است. «ابن حجر مکی» و دیگران هم این روایت را به صورت مفصل نقل کرده‌اند.

حال حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) از میان این همه احادیث خلافت امیرالمؤمنین حدیث غدیر را مطرح می‌کند. این انتخاب رمزی دارد که فرصت نیست آن را عرض کنم، اما به صورت فشرده می‌گویم که فاصله غدیر و رحلت نبی مکرم کوتاه است.

رحلت نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) با حادثه غدیر حدود ۷۲ روز بیشتر فاصله نداشت. حضرت حدیث منزلت را در جمع فرضاً سربازانی که به جنگ تبوک می‌رفتند، فرمود. همچنین حدیث رایت در جمع کسانی که در جنگ احزاب بودند، فرمود.

ولی حدیث غدیر در جمعیت انبوهی که به تعبیر «سبط ابن جوزی» صد و بیست هزار نفر و به تعبیر «دهلوی» صد و بیست و چهار هزار نفر جمعیت در منطقه غدیر جمع بودند.

ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هم سنگ توحید و رسالت و معاد!

نکته دیگری را هم عرض کنم و بعد به سؤالات عزیزان جواب بدهم.

حدیث غدیر ویژگی‌هایی دارد که دیگر احادیث این ویژگی‌ها را ندارد. ما فقط از حدیث غدیر یک تعبیر به ذهنمان مانده است؛ «من کنت مولاہ فعلی مولاہ». حال آنکه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تعابیر متعددی در رابطه با غدیر بیان فرموده‌اند.

جالب این است که یکی از علمای بزرگ اهل سنت به نام آقای «طبرانی» که متوفای ۳۶۰ هجری است، سه کتاب به نام‌های «معجم کبیر»، «معجم صغیر» و «معجم اوسط» دارد. مشهور است که «معجم کبیر» تمام روایاتش صحیح است.

او در جلد پنجم صفحه ۱۶۶ می‌نویسد قبل از آن که نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) بخواهد علی بن ابی طالب را معرفی کند، سه اعتراف از مردم می‌گیرد:

«أَلَيْسَ تَشْهَدُونَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

آیا شهادت به وحدانیت خدا نمی‌دهید؟

این چه سؤالی است که پرسیده می‌شود؟! مردمی که ۲۳ سال در کنار پیغمبر اکرم جنگیدند و تلاش کردند، مردمی که تازه از حج بر می‌گردند. این سؤال چه معنی می‌دهد؟!

«وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»

آیا گواهی نمی‌دهید من پیغمبر خدا هستم؟

اگر حضرت را پیغمبر خدا نمی‌دانستند، این همه در مکه و جنگ‌ها در رکاب آن بزرگوار شهید نمی‌شدند!!

«وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ وَأَنَّ الْبَعْثَ بَعْدَ الْمَوْتِ حَقٌّ»

نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) شروع به مطرح کردن بحث معاد فرمودند. بعد از این سه سؤال فرمود:

«مَنْ كُنْتُ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِي فَعَلَيْ وَوَلِيِّهِ»

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء -

الموصل - ١٤٠٤ - ١٩٨٣، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج ٥، ص ١٦٦، ح ٤٩٧١

پیغمبر می‌خواهد بیان کند که موضوع ولایت امیرالمؤمنین مثل نماز و روزه و حج و جهاد نیست، بلکه هم‌سنگ توحید و رسالت و معاد است. هر مرتبه‌ای که توحید، رسالت و معاد دارد، ولایت علی بن ابی طالب هم همین رتبه را داراست.

لذا پیغمبر اکرم از مردم براساسی ترین اصول عقائد مسلم مسلمانها اعتراف می‌گیرد و سپس علی بن ابی طالب را معرفی می‌کند. لذا؛

«وَلَمْ يَنَازِ بِشَيْءٍ كَمَا تُودَى بِالْوَلَايَةِ»

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۱۸، ح ۳

هم همین را می‌رساند. همچنین:

«مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- مصر، ج ۴، ص ۹۶، ح ۱۶۹۲۲

هم همین مطلب را می‌رساند. صلوات ختم بفرمایید. اگر سؤالی وجود دارد در خدمت شما هستم.

پرسشها و پاسخها

پرسش (چرا امیرالمؤمنین بعد از به حکومت رسیدن، فدک را برنگرداند؟):

اگر فدک حق مسلم حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بود، بعد از آن که امیرالمؤمنین به خلافت رسید چرا

فدک را برنگرداند؟

پاسخ:

این سؤال، احتیاج به پاسخ مفصل دارد. در رابطه با این قضیه جواب‌های زیادی گفته شده است. دوستان اگر به سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» مراجعه کنند، در آنجا به این سؤال جواب مفصلی دادیم.

در رابطه با این که فدک حق مسلم حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بود در آن شکی نیست. همچنین این که زهرای مرضیه فدک را مطالبه کردند، اما فدک را به آن بزرگوار برنگرداندند هم، در منابع اهل سنت به صورت مستفیض - اگر نگوئیم متواتر - بیان شده است.

در کتاب «کافی» جلد هشت وارد شده است که به امیرالمؤمنین اعتراض می‌کنند که چرا فدک را برنگردانید؟ حضرت در جواب می‌فرماید: اگر بنا بود آنچه را که از سنت پیغمبر اکرم طرد شده بود و به جای آن بدعت گذاشته شده بود را برمی‌گرداندم، در اطراف من کسی نمی‌ماند.

حضرت در ادامه مثال می‌زند و می‌فرماید: نماز تراویح بدعت مسلم است. زمانی که به مردم گفتم نماز تراویح بدعت مسلم است و آن را نخوانید، از گوشه و کنار مسجد صدا برآوردند که «وا سنت عمراه»، «وا سنت عمراه».

اگر می‌خواستیم فدک را برگردانم و خیلی از حقایق را به همان وضع زمان پیغمبر اکرم برگردانم، تمام کسانی که در اطرافم بودند پراکنده می‌شدند. در آن ۲۵ سال کارهایی کرده بودند که امیرالمؤمنین در یک عمل انجام شده قرار گرفته بود.

حضرت در خطبه ۱۵۰ «نهج البلاغه» به برخی از آن اقدامات اشاره می‌فرمایند. من به اندیشمندان و فضیلابی حوزه توصیه می‌کنم این خطبه را با دقت مطالعه کنند. حضرت می‌فرماید:

«حَتَّىٰ إِذَا قَبِضَ اللَّهُ رَسُولَهُ رَجَعَ قَوْمٌ عَلَى الْأَعْقَابِ»

بعد از آن که پیغمبر اکرم از دنیا رفت، ملت به دوران جاهلیت برگشتند.

تا آنجایی که می‌فرماید:

«عَلَى سُنَّةٍ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۲۰۹، خ

۱۵۰

حضرت در نامه ۵۳ می‌فرماید:

«فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۴۳۵، خ

۵۳

این متن «نهج البلاغه» است. حضرت در نامه‌ای به «عثمان بن حنیف» می‌فرماید:

«بَلَى كَانَتْ فِي أَيْدِينَا فَذَكَ مِنْ كُلِّ مَا أَظْلَمْتُهُ السَّمَاءُ فَسَحَّتْ عَلَيْهَا نُفُوسُ قَوْمٍ»

در زیر آسمان جز فدکی برای ما نبود که یک دسته بر او دخالت کردند و آن را از ما گرفتند.

«وَسَحَّتْ عَنْهَا نُفُوسُ قَوْمٍ آخِرِينَ»

تعداد دیگری هم سخاوتمندانه از کنارش عبور کردند و از ما دفاع نکردند.

«وَنِعْمَ الْحَكْمُ لِلَّهِ»

ما قضاوت را به خدا واگذار می‌کنیم.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۴۱۷، خ ۴۵

در روایتی وارد شده است که از امام صادق (علیه السلام) سؤال کردند: یابن رسول الله! چرا فدک را برنگردانند؟

حضرت فرمود: مادر ما فاطمه مدعی بود و خلیفه اول مدعی علیه بود. مدعی و مدعی علیه پیش خدا رفتند و هر یک به نتیجه کارشان هم رسیدند. چرا علی بن ابی طالب بخواهد در مورد کاری که خدا درباره آن قضاوت کرده است، اصرار کند؟!

البته طبق منابع اهل سنت از جمله کتاب «صحیح مسلم» جلد پنجم صفحه ۱۵۲ حدیث ۴۴۶۸ به صراحت آمده که خلیفه دوم فدک را به امیرالمؤمنین و عباس برگرداند.

بعد از آن هم فدک در دست فرزندان امیرالمؤمنین بود تا «مروان» آمد و فدک را از آن بزرگواران گرفت. در زمان «عمر بن عبدالعزیز» فدک دومرتبه به فرزند حضرت فاطمه زهرا برگردانده شد. بعد از او افرادی مانند «منصور» و «مأمون» فدک را برگردانند.

«هارون الرشید» به امام موسی بن جعفر (علیه السلام) عرضه می‌دارد: یابن رسول الله حدود فدک را معین کنید تا آن را به شما برگردانم. امام موسی بن جعفر فرمود: حدود فدک از یک طرف به سمرقند و از طرف دیگر آفریقا می‌رسد.

این حرف بدان معناست که امام کاظم تمام حکومت اسلامی را به عنوان چهارچوب و مرز فدک معین فرمودند. «هارون» گفت: یابن رسول الله! اگر این طور باشد که برای ما چیزی نمی‌ماند. حضرت فرمود: فدک نماد بود، زمین نبود.

«ابن ابی الحدید» می‌گوید: به استادم گفتم چرا ابوبکر فدک را به خانواده پیغمبر اکرم برنگرداند؟

او گفت: اگر فدک را بر می‌گرداند بدان معنا بود که حضرت فاطمه زهرا راست می‌گوید. فردا هم می‌گفت خلافت را برگردان. ابوبکر نمی‌توانست یک جا حضرت زهرا را تصدیق کند و در جای دیگر تکذیب کند. البته مطلب بسیار زیاد است.

پرسش: (آیا دروایش منشعب از وهابیت است؟)

در رابطه با دروایش بفرمایید که آیا دروایش منشعب از وهابیت است؟

پاسخ:

البته شما به جای «دروایش» باید بگویید «صوفی‌ها»! هم اکنون در جهان حدود سیصد و چهل میلیون صوفی شیعه و سنی وجود دارند که اکثریت هم اهل سنت هستند.

طبق آنچه ما در جریان هستیم عمده صوفی‌های اهل سنت ضد وهابی هستند و ارتباطی با آن‌ها ندارند. در داخل کشور هم بنده با بعضی از قطب‌های صوفی چندین جلسه مناظره داشتم.

صوفی‌ها یک سری صحبت‌هایی دارند که از قول امیرالمؤمنین، نبی مکرم اسلام یا امام صادق نقل می‌کنند که در قوطی هیچ عطاری چنین روایاتی را پیدا نکردیم.

این افراد به بهانه اینکه ما صوفی و درویش هستیم ادعا می‌کنند که ما مراحل را طی کردیم و نماز و روزه از ما برداشته شده است!! این ادعاها همه کفریات، انکار ضروریات دین و ارتداد است. البته بعضی از فرق صوفی‌ها همانند «ذهبی‌ها» که در دزفول هستند، ملتزمند.

مرحوم آیت الله نبوی یکی از علمای بزرگ دزفول می‌گفت: در طول این مدت که اینجا هستم دیدم آنها تنها فرقه‌ای از صوفی‌ها هستند که تا حدودی نسبت به ظواهر عمل می‌کنند، اما به جای مسجد حتماً به خانقاه می‌روند و کاری با مسجد ندارند.

هرکدام از این فرقه‌ها یک سری انحرافات دارند. هر فرقه‌ای در شیعه که دستورات اسلامی و فرمایشات ائمه اطهار را اجرا کنند، آن‌ها را قبول داریم؛ چه صوفی باشد و چه غیر صوفی باشد، چه درویش باشد و چه غیر درویش باشد.

هرکدام که از مسیر اهل بیت (علیهم السلام) منحرف هستند، ولو یک ذره باشند را قبول نداریم. خط کش برای ما سنت و سیره اهل بیت است.

طبق آنچه که بنده متوجه شدم، صوفی‌ها با وهابیت خیلی بنای سازگاری نداشتند. وهابیت همه را مخصوصاً درویش را در صدر کفار جهان اعلام می‌کنند. همچنین صوفی‌ها را بدتر از شیعه تکفیر می‌کنند.

«ابن تیمیه»، «محمد بن عبدالوهاب» و «بن باز» عبارتهای مختلفی در رابطه با کفر و ارتداد و شرک درویش دارند. البته بعضی از این آقایان در کشور ما حرفهایی می‌زنند که عیناً همان حرفهای وهابیت است؛ گرچه اسمش را نمی‌آورند.

بعضاً این افراد حرفهایی می‌زنند که با صحبت‌های وهابیت یکسان است، اما ذاتاً از نظر مبانی اعتقادی با وهابیت سنخیتی ندارند.

پرسش: (آیا خانه امیرالمؤمنین در نداشت؟)

در فضای مجازی سؤال مطرح است مبنی بر اینکه خانه امیرالمؤمنین در مسجد النبی بوده و در نداشت و در خانه حضرت باز بوده است. صحت و سقم این قضیه را هم بفرمایید.

پاسخ:

در رابطه با اینکه می‌گویند خانه حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در نداشت دروغ محض است. خانه‌های مدینه همگی در داشتند. شاید حدود ۲۰۰ روایت از علمای اهل سنت داریم که بعد از نزول آیه ۳۳ سوره احزاب:

(إِنَّمَا يَرِيذُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسُ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُم تَطْهِيراً)

خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

سوره احزاب (۳۳): آیه ۳۳

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) شش ماه موقع رفتن به نماز، پشت در خانه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می‌آمد و این آیه را می‌خواند.

بعلاوه روایات دیگری در این زمینه وارد شده است. در کتاب «أنساب الاشراف» اثر «بلاذری» جلد اول صفحه ۵۸۶ تعبیر آیه این است که پشت در خانه حضرت فاطمه زهرا توقف کردند.

اگر خانه حضرت در نداشت، این "پشت در" که در معتبرترین کتاب‌های اهل سنت آمده است، چه معنا دارد؟

اضافه بر این قرآن کریم به صراحت بحث درهای صحابه را مطرح می‌کند. البته این قضیه مفصل است و من تنها به آن اشاره می‌کنم. یکی از شبهات وهابیت همین است که خانه‌های مدینه در ورودی نداشت.

اولاً این مطلب با قرآن منافات دارد، زیرا قرآن کریم خطاب به صحابه مطلبی در این زمینه می‌فرماید. اولین مخاطب قرآن کریم اصحاب بودند.

(لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَ لَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَ لَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَ لَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ)

بر نابینا و افراد شل و بیمار گناهی نیست و بر شما نیز گناهی نیست که از خانه‌های خودتان غذا بخورید، و همچنین خانه‌های پدرانتان، یا خانه‌های مادرانتان، یا خانه‌های برادرانتان، یا خانه‌های خواهرانتان یا

خانه‌های عموهائیتان، یا خانه‌های عمه‌هائیتان، یا خانه‌های دائیهائیتان، یا خانه‌های خاله‌هائیتان، یا خانه‌ای که کلیدش در اختیار شما است.

سوره نور (۲۴): آیه ۶۱

اگر خانه‌ها در نداشت، پس کلید برای چه بود؟ در ضمن در کتاب «صحیح مسلم» وارد شده است که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید:

«وَبِالْأَبْوَابِ أَنْ تُلْقَى لَيْلًا»

شب‌ها در خانه‌هائیتان را ببندید.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۵۹۳، ح ۲۰۱۰

اگر در نداشت «وَبِالْأَبْوَابِ أَنْ تُلْقَى لَيْلًا» از کجا آمده است؟ این سؤال ده‌ها جواب دیگر هم دارد، اما ما به همین مقدار اکتفا می‌کنیم.

پرسش:

در رهبریت الهی تلاش رهبر برای راهیابی بشر به اصالت بندگی مهمتر است یا رهبری مذهبی و هدایتگر گروهی یا قشر خاصی از بندگان خدا؟ کدامیک موثرتر برای حیات بشر و حقوق آن است؟

پاسخ:

ما به طور کلی بر این عقیده هستیم که رهبران الهی از ائمه اطهار (علیهم السلام) گرفته تا مراجع عظام تقلید، همه در مسیر رسالت انبیاء الهی هستند.

تمام مسئولیت انبیاء و مسئولیت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) غیر از بحث خاتمیت و اخذ شریعت، به عهده ائمه اطهار (علیهم السلام) است. آن بزرگواران هم در حوزه ولایت تکوینی و هم در ولایت تشریحی عین رسول اکرم هستند.

«مرحوم شیخ محمد حسین اصفهانی» در «حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری» در صفحه ۲۲ می‌گوید:

«لهم الولاية المعنوية و السلطنة الباطنية على جميع الأمور التكوينية و التشريعية»

ائمه اطهار ولایت معنوی و سلطنت باطنی بر تمام امور تکوین و تشریح دارند.

حاشیه کتاب مکاسب، نویسنده: اصفهانی، محمد حسین کمپانی، ج ۲، ص ۳۷۹، ح ۳۳۷

همین تعبیر را «مرحوم نائینی» دارد. امام خمینی همین بحث را در «مکاسب» دارد. همچنین آقای «خویی» در کتاب «مکاسب» در بحث بیع فضولی و ولایت ائمه علیهم السلام دارند.

تمام ولایتی که نبی مکرم اسلام داشت، ائمه اطهار نیز دارند. آن ولایت نه به معنای عریض و طویل تکوینی، بلکه در معنای تشریحی، قدری کمرنگ‌تر، برای رهبران الهی است.

مشاهده کنید هر رسالتی که انبیاء الهی داشتند، همان وظائف برای ائمه و رهبران دینی تعریف شده است و هیچ تفاوتی ندارد.

پرسش: (در جریان هجوم به بیت فاطمه، چرا امام علی در را باز نکرد؟)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) که شجاع‌ترین مرد عرب بودند، چرا خودشان در را باز نکردند و حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) باز کردند؟

پاسخ:

این هم یکی دیگر از شبهات است که ما مفصل پاسخ دادیم. پرسیده می‌شود چرا حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) پشت در رفتند؟! اولاً: اینکه در روایت آمده است:

«وَفَاطِمَةُ ع قَاعِدَةٌ خَلْفَ الْبَابِ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج، ص

۲۹۹، ح ۴۸

خانه امیرالمؤمنین بیرونی و اندرونی نداشت. یک اتاق برای زندگی و یک حیاط داشت. وقتی «طلحه»، «زبیر» و تعدادی از صحابه آمده بودند با همدیگر مشورت می‌کردند، حضرت زهرا در حیاط پشت در بود. وقتی در را زدند حضرت صدیقه طاهره با مهاجمین مواجه شد.

ثانیاً: حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیه) تصور می‌کرد وقتی این افراد چشمشان به دختر پیغمبر اکرم بیفتد، با توجه به آیه شریفه:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید.

سوره نور (۲۴): آیه ۲۷

به این خانه به این شکل بی‌احترامی نمی‌کنند و رعایت حرمت خانه نبوت را نگه می‌دارند. ثالثاً: آقایان وهابی به ما بگویند مراد از مواردی که داریم، چیست. به عنوان مثال وقتی که در خانه را می‌زنند حضرت رسول اکرم به حضرت خدیجه دستور می‌دهند که برو در را باز کن.

علی ابن ابی طالب هم تابع سنت پیغمبر اکرم است. سنت رسول الله برای همه متبوع است، برای حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هم متبوع است. در کتاب «تاریخ دمشق» جلد ۴۴ وارد شده است:

«صلی رسول الله صلاة المغرب قرع عمر بن الخطاب الباب»

حضرت سپس می فرماید:

«وقال افتحی یا خدیجة»

خدیجه برو درب را باز کن.

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمائل، اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج ۴۴، ص ۳۵، ح ۵۲۰۶

شما چه اشکالی به پیغمبر اکرم دارید؟ هر جوابی دارید، ما همان جواب را نسبت به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می گوئیم. و یا در مدینه افرادی می آیند و در را می زنند. حضرت می فرماید:

«یا عَائِشَةُ افْتَحِي لَه الْبَاب»

عایشه برو در را باز کن.

الإحتجاج علی أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج ۱، ص ۱۹۷، باب خطبة أمير المؤمنين ع بعد فتح البصرة

این چیزی نیست که بگوئیم حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در خانه نشسته و حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیه) در را باز کرده و منافات با غیرت مردانه دارد.

وهابیت حرف‌های بی‌اساسی در شبکه‌های خودشان بیان می‌کنند و از کتاب‌های خودشان هم خبر ندارند. مسئله باز کردن در، هیچ منافاتی با غیرت ندارد.

رابعاً: حضرت برخورد تندی با خلیفه دوم دارد و این تعبیری است که هم در کتب شیعه است و هم آقای «آلوسی» در کتاب خود آورده است.

«آلوسی» می‌نویسد:

«غضب عمر و أضرَم النار بباب علي و أحرَقه ودخل فاستقبلته فاطمة و صاحت: يا أبتاه! و يا رسول الله! فرفع عمر السيف و هو في غمده فوجأ به جنبها المبارك و رفع السوط فضرب به ضرعها! فصاحت: يا أبتاه! فأخذ علي بتلابيب عمر و هزّه و وجأ أنفه و رقبتة»

عمر عصبانی شد و درب خانه علی را به آتش کشید و داخل خانه شد، فاطمه بطرف عمر آمد و فریاد زد: یا ابتاه، یا رسول الله! عمر شمشیرش را که در غلاف بود بلند کرد و به پهلو مبارک فاطمه زد، تازیانه را بلند کرد و بر بازوی او زد، حضرت فریاد زد: یا ابتاه! علی ناگهان از جا برخاست و گریبان عمر را گرفت و او را به شدت کشید و بر زمین زد و بر بینی و گردنش کوبید.

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين

السيد محمود الألوسي البغدادي، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت؛ ج ۳، ص ۱۲۴

«سليم بن قيس» هم می‌نویسد:

«فَوَتَّبَ عَلِيٌّ فَأَخَذَ بِتَلَابِيهِ ثُمَّ نَثَرَهُ فَصَرَغَهُ وَوَجَأَ أَنْفَهُ وَرَقَبَتَهُ وَهَمَّ بِقَتْلِهِ فَذَكَرَ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ وَمَا أَوْصَاهُ بِهِ فَقَالَ وَالَّذِي كَرَّمَ مُحَمَّدًا بِالتُّبُوَّةِ يَا ابْنَ صُهَيْك لَوْ لَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ وَعَهْدٌ عِندَهُ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ لَعَلِمْتُ أَنَّكَ لَا تَدْخُلُ بَيْتِي»

علي ناگهان از جا برخاست و گریبان عمر را گرفت و او را به شدت کشید و بر زمین زد و بر بینی و گردنش کوبید و خواست او را بکشد؛ ولی به یاد سخن پیامبر و وصیتی که به او کرده بود افتاد، فرمود: ای پسر ضهاک! قسم به آنکه محمد را به پیامبری مبعوث نمود، اگر مقدرات الهی و عهدی که پیامبر با من بسته است، نبود، می دانستی که تو نمی توانی به خانه من داخل شوی

کتاب سلیم بن قیس الهملائی؛ تألیف: التابعی الکبیر سلیم بن قیس الهملائی؛ (۲ قبل الهجرة - ۷۶ هجرية)، من خواص أصحاب الإمام أمير المؤمنين والإمامین الحسنین والإمام زین العابدین والإمام الباقر علیهم السلام، تحقیق: محمد باقر الأنصاری الزنجانی؛ ص ۱۵۰

امیرالمؤمنین وقتی آمد و حضرت فاطمه زهرا را در آن حال دید، کمر بند خلیفه دوم را گرفت، او را بلند کرد و به زمین زد و فرمود: یا عمر! اگر وصیت پیغمبر اکرم نبود، می دانستی برخورد من با تو چه خواهد بود.

رسول اکرم فرمود:

« فَإِذَا فُضِّتْ وَفَرَعَتْ مِنْ جَمِيعِ مَا أُوصِيكَ بِهِ وَعَيَّبْتَنِي فِي قَبْرِي فَالزَّمْ بَيْتَكَ وَاجْمَعِ الْقُرْآنَ عَلَى تَأْلِيْفِهِ وَالْفَرَائِضَ وَالْأَحْكَامَ عَلَى تَنْزِيلِهِ ثُمَّ امْضِ [ذَلِكَ] عَلَى غَيْرِ لَائِمَةٍ [عَزَائِمِهِ وَ] عَلَى مَا أَمَرْتُكَ بِهِ وَعَلَيْكَ بِالصَّبْرِ عَلَى مَا يَنْزِلُ بِكَ وَبِهَا [يعني بفاطمة] حَتَّى تَقْدَمُوا عَلَيَّ... »

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج، ص ۲۲، ح ۴۸۳، ح ۳۰

فرمود: اگر نیرویی پیدا نکردی، خانه بنشین تا تکلیف تو در آینده روشن شود. رسول الله خود این چنین وصیت فرموده است.

همانطور که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) ۱۳ سال در مکه بودند، چرا قیام نکردند؟ جلوی چشم آن بزرگوار صحابه را اذیت می‌کردند. «بلال» و «عمار» را شکنجه می‌کردند. «سمیه» را با آن وضع فجیع شهید کردند. چرا حضرت هیچ اقدامی نکرد؟

دلیل این کار این بود که حضرت هیچ نیرو و یاری نداشت و قرار هم نیست که پیغمبر اکرم با معجزه اسلام را جلو ببرد. اگر بنا بر معجزه باشد، خداوند متعال می‌فرماید:

(إِنْ أَرَادَ أَنْ يَهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً)

بگو اگر خدا بخواهد مسیح بن مریم و مادرش و همه کسانی را که در روی زمین هستند هلاک کند.

سوره مائده (۵): آیه ۱۷

اگر خدا اراده کند تمام مردم روی زمین مؤمن می‌شوند. قرار نیست با اراده تکوینی و معجزه ائمه اطهار و پیغمبر اکرم کار جلو برود.

(إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِراً وَ إِمَّا كَفُوراً)

ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا کفران کند.

سوره انسان (۷۶): آیه ۳

پرسش: (چرا قبر حضرت زهرا مخفی است؟)

چرا هیچ کس نمی‌داند قبر حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیه) کجاست و چه زمانی معلوم می‌شود در کجا بوده است؟

پاسخ:

قضیه دفن حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در حقیقت به وصیت حضرت صدیقه طاهره برمی‌گردد.

حضرت مبارزاتشان را در دو جبهه انجام دادند. حضرت خطبه خواند و غاصبین خلافت را کاملاً مفتضح ساخت. آن بزرگوار همچنین حقایق را روشن کرد و از مردم طلب استمداد کرد. حضرت شبها سوار بر مرکب می‌شد، در خانه انصار می‌رفت و از مردم کمک می‌گرفت.

وقتی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) دیدند که مردم جواب نمی‌دهد مبارزه منفی را شروع کردند؛

«فَعَضِبَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُوفِّيَتْ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٣، ص

١١٢٦، ح ٢٩٢٦

«صحيح بخاري» یکی از کتاب‌های معتبر و صدر اول اهل سنت این مطلب را آورده است. از طرف دیگر پیغمبر

اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْضَبَهَا أَعْضَبَنِي»

فاطمه پاره وجود من است. هرکس فاطمه را اذیت کند من را اذیت کرده است.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٣، ص

١٣٦١، ح ٣٥١٠

حضرت فاطمه زهرا با این کار اثبات کرد امیرالمؤمنین حق است و دیگران ناحق هستند. حضرت صدیقه طاهره هم وصیت فرمودند که مرا شبانه دفن کن و من راضی نیستم کسانی که در حق من ظلم کرده‌اند بر تشیع جنازه و نماز من بیایند. در کتاب «صحیح بخاری» آمده است:

«فلما تُوفِّيَتْ دَفَنَهَا زَوْجُهَا عَلِيٌّ لَيْلًا وَلَمْ يُؤْذِنْ بِهَا أَبَا بَكْرٍ وَصَلَّى عَلَيْهَا وَكَانَ لِغَلِيٍّ مِنَ النَّاسِ وَجْهٌ حَيَاةً فَاطِمَةَ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٤، ص ١٥٤٩، ح ٣٩٩٨

جالب است که «عبدالرزاق صنعانی» استاد «بخاری» و یکی از علمای طراز اول اهل سنت می‌گوید:

«أن فاطمة بنت النبي دفنت بالليل قال فر بها علي من أبي بكر أن يصلي عليها كان بينهما شيء»

المصنف، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت - ١٤٠٣، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، ج ٣، ص ٥٢١، ح ٦٥٥٤

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها) نمی‌خواست دیگران بر جنازه مطهرشان نماز بخوانند تا نماز بر بدن حضرت را ملاک حقانیت خودشان قرار بدهند.

«او صته بذلك»

حضرت وصیت کرده بود که من را مخفی دفن کنید.

المصنف، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت - ١٤٠٣، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، ج ٣، ص ٥٢١، ح ٦٥٥٥

مخفیانه و شبانه دفن کردن رمز حقانیت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است. حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیه) پاره وجود پیغمبر با حالت غضبان از دنیا رفت.

مناظره کوبنده علامه امینی (ره)

«مرحوم علامه امینی» در مناظره‌ای که در مصر و دمشق با علمای اهل سنت داشت، پرسید: آیا حدیث؛

«مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً»

هرکس بدون امام از دنیا برود، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

– مصر، ج ۴، ص ۹۶، ح ۱۶۹۲۲

درست است یا خیر؟! این روایت هم در کتاب «صحیح مسلم» و هم در کتاب‌های دیگر آمده است. «مرحوم کلینی» در کتاب «کافی» جلد دوم صفحه ۳۷۲ پنج روایت و در جلد اول صفحه ۱۷ و ۱۸ پانزده روایت در این زمینه آورده است.

در کتاب «صحیح مسلم» جلد ششم صفحه ۲۲ حدیث ۴۶۸۶ این روایت نقل شده است. «احمد بن حنبل» هم این روایت را با سند صحیح آورده است.

«مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً»

علمای اهل سنت همگی گفتند این روایت صحیح است و از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است. «علامه امینی» گفت: سؤال دوم من این است که حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) آیا این روایت را قبول داشت یا انکار می‌کرد؟

اگر حضرت فاطمه زهرا قبول داشت، آیا با امام زمان خودش که به قول شما ابوبکر بود بیعت کرد یا نکرد؟ اگر بگویید بیعت نکرد، بنابراین نستجیر بالله حضرت فاطمه زهرا «مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛ حال آنکه شما می‌گویید حضرت فاطمه نه تنها اهل بهشت است، بلکه:

«فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٣، ص ١٣٦٠، باب مَنَاقِبِ قَرَابَةِ رَسُولِ اللَّهِ

اینجا سه راه دارید؛ راه اول این است که بگویید حضرت صدیقه طاهره این روایت را قبول نداشت و ضرورتی از ضروریات دین پدرش را انکار کرد. راه دوم این است که بگویید حضرت این روایت را قبول داشت، اما بدان عمل نکرد.

راه سوم اینکه کسی که بر مسند خلافت نشسته بود، از دیدگاه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) خلیفه نبوده است!!

همه معطل ماندند که چه جوابی بدهند. نقل شده است علما یکی پس از دیگری سرشان را پایین انداختند و بیرون رفتند و «علامه امینی» در مجلس تنها ماند و به خانه میزبان خود در حلب رفت.

بنابراین قضیه حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیه) و حتی قبر پنهان او هم یک مبارزه منفی نسبت به غاصبان خلافت و اعلان حقانیت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و فرزندان آن بزرگوار است.

آیت الله مرعشی نجفی که از مراجع بزرگوار بود، چندین بار فرمودند که پدر من به حضرت رسول اکرم متوسل شدند که قبر حضرت فاطمه زهرا کجاست تا برای زیارت بیایم. پدر ایشان هم از مراجع بزرگ نجف اشرف بودند.

یک شب در عالم رؤیا خدمت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌رسد و عرض می‌کند: یا رسول الله! قبر حضرت فاطمه زهرا کجاست. ما می‌خواهیم برای زیارت و درد دل خدمت ایشان برویم.

حضرت فرمود: پسر! حکمت الهی بر این تعلق گرفته است که قبر دخترم حضرت فاطمه زهرا تا ظهور فرزندم حضرت مهدی (عجل الله فرجه شریف) مخفی بماند.

ایشان عرض می‌کند: یا رسول الله! پس در این صورت ما باید از قبر حضرت فاطمه زهرا محروم باشیم؟ حضرت فرمودند: رحمت خداوند عالم بر این تعلق گرفته است که تمام پاداش زیارت دخترم فاطمه زهرا را بر زیارت قبر دخترم فاطمه معصومه در قم مترتب کرده است!!

بعد از او با اینکه ایشان در آنجا درس خارج داشت و خیلی اعتبار داشت، تمام زندگیش را در نجف فروخت و به ایران آمد و ساکن قم شد.

علی‌ای حال قضیه دفن شبانه حضرت فاطمه زهرا و مخفی ماندن قبر ایشان کاملاً واضح و روشن است. باید برای همیشه در اذهان به عنوان سؤال باقی بماند که چرا تنها یادگار پیغمبر اکرم شبانه دفن شود؟

همه صحابه و امهات المؤمنین قبرشان مشخص است. قبر دیگر فرزندان رسول الله مشخص است. قبر ابراهیم فرزند پیغمبر اکرم در مدینه مشخص است. قبر فرزندان حضرت مثل قاسم، طیب، طاهر، زینب در مکه قبرستان ابوطالب مشخص است، اما قبر حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) برای کسی مشخص نیست.

امیدواریم خدای عالم فرج مولایمان حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) را هرچه سریع‌تر نزدیک بفرماید تا با آمدنش بسیاری از مشکلات جهان بشریت حل شود و قبر مادرش حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیه) برای همگان روشن کند.

اجازه بدهید دو جمله را هم خدمت عزیزان عرض کنم. شاید بارها گفته باشم که خداوند یک توفیقی به من داده است که بیش از ۳۷ سال است که برنامه‌ام این است که شب هنگام خواب زن و فرزندم را جمع می‌کنم، روزه حضرت زهرا می‌خوانم و بعد می‌خوابیم.

بیش از ۳۷ سال است این عمل را مثل نماز مغرب و عشا که بر من واجب است، برای خودم واجب می‌دانم. وقتی در مسافرت هم باشم، منزل زنگ می‌زنم بچه‌ها را جمع می‌کنم و قبل از خواب روزه را می‌خوانم و بعد می‌خوابیم.

یادم هست حدود ۹ سال قبل که به شیراز آمده بودم، دوستان برای من برنامه گذاشته بودند. برنامه بسیار سنگینی بود و ما از صبح ساعت ۸ تا ساعت ۱۰ شب مشغول بودیم.

وقتی به محل استراحت رفتم، به قم زنگ زدم بچه‌ها جمع شدند و روزه بی‌حالی خواندم و خیلی خسته بودم. بعد از روزه با خود گفتم: خدایا! آیا این روزه بی‌حال را اهل بیت از ما قبول می‌کنند یا نه؟

دوستان در همین شیراز قسم به حضرت فاطمه زهرا خواب دیدم اتاقی بود، ائمه اطهار (علیهم السلام) در این اتاق بودند و رسول اکرم جلوی در ایستاده بود.

حضرت عیناً فرمود: فلانی روزه حضرت زهرا را بخوان، همان روزه‌ای که علی برای زهرا خوانده بود.

بنده از خواب بیدار شدم و گریه‌ام گرفت و فهمیدم ولو اینکه یک روزه بی‌حالی هم برای ایشان می‌خوانیم، اهل بیت (علیهم السلام) به این روزه بی‌حال ما هم توجه دارند.

روضه امیرالمؤمنین در کنار قبر حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیهما)

روضه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در کنار قبر حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) این است که وقتی بدن حضرت را در قبر می‌گذارد، خطاب به پیغمبر اکرم می‌فرماید:

« يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ عَنِ ابْنَتِكَ وَ زَائِرَتِكَ وَ الْبَائِثَةِ فِي الثَّرَى بِبُقْعَتِكَ وَ الْمُخْتَارِ اللَّهُ لَهَا

شُرْعَةَ اللِّحَاقِ بِكَ قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي»

یارسول الله صبر علی در مصیبت زهرا تمام شد و کاسه صبر علی لبریز شد.

« يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ وَ أَمَّا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ»

شبهای علی بدون زهرا سحر ندارد و علی دیگر شبها از غصه زهرا به خواب نخواهد رفت. اما غصه‌های من تا ابد با من همراه است.

الكافي (ط - الإسلامية)، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و

آخوندی، محمد، ج ۱، ص: ۴۵۹

حدود ۲۷ سال بعد از شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، «ابن عباس» در جنگ صفین است که می‌گوید در یکی از شبها حنا آماده کرده بودم و به امیرالمؤمنین عرض کردم: علی جان! موی سر و محاسنتان سفید شده است. کمی حنا بگذارید.

امیرالمؤمنین فرمود: «ابن عباس» نمی‌دانی ما هنوز عزادار فاطمه هستیم؟! حضرت به رسول الله فرمود:

« فَأَخْفِيهَا السُّؤَالَ وَ اسْتَخْبِرْهَا الْحَالَ»

زهرا درددل هایش را به من نگفت. اصرار کن شاید دردهایش را به شما بگوید.

الكافي (ط - الإسلامية)، كلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و

آخوندی، محمد، ج ۱، ص: ۴۵۹

من نمی‌دانم موقع ملاقات زهرا با رسول الله چه شد!! حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فرمود:

بر فراز منبرت گردید حقم پایمال

هرچه نالیدم لبی هم در جوابم وا نشد

همسری چون من به راه شوهر خود جان نداد

کودکی چون محسنم قربانی بابا نشد

ای قلم بنویس ای تاریخ در خود ثبت کن

یک نفر در موج دشمن حامی زهرا نشد

على لعنة الله على القوم الظالمين و سيعلم الذين ظلموا أی منقلب ينقلبون

نسئلك اللهم و ندعوك بأسمك الأعظم بحق فاطمة و أبيها و بعلمها و بنيتها و سرّ المستودع فيها يا الله

الهی تو را قسم می‌دهیم به حق حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) هرچه سریع‌تر لباس فرج بر اندام ملکوتی

مولایمان حضرت ولی عصر بیوشان. خدایا ما را از یاران خاص و سربازان فداکارش قرار بده. خدایا انقلاب ما را

به انقلاب جهانی حضرت بقیة الله الأعظم متصل فرما.

خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهلبیت در هر لباس و منصبی که هستند، بالاخص مقام معظم رهبری

موفق و مؤید بدار. خدایا رفع گرفتاری از جمیع گرفتاران بنما.

خدایا عزیزان ما در یمن که در چنگال دژخیمان آل سعود و اسرائیل و آمریکا گرفتارند، به آبروی حضرت زهراى مرضیه (سلام الله علیها) نصرت نهایی نصیب آنان بگردان.

خداوندا حوائج حاجت مندان بویژه حوائج جمع ما برآورده نما. خدایا دعاهاى ما به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین، صالحین بالأخص امام راحل و دو یادگارش صلوات غریبی ختم بفرمایید.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته